

واکنش افکار عمومی عربستان به بحران خاشقچی چگونه است

به قلم دیوید پولاک (/fa/experts/dywyd-pwlak-0/)

۱۶ اکتبر ۲۰۱۸

همچنین دست‌یافتنی به

(English (/policy-analysis/how-saudi-public-likely-responding-crisis-over-khashoggis-disappearance-popularity

العربية (/ar/policy-analysis/kyf-systjyb-aljmhwr-alswdy-lazmt-akhtfa-khashqjy-shbyt-alqm-alaslahy-fy-alryad/)

درباره نویسنده



دیوید پولاک (/fa/experts/dywyd-pwlak-0/)

دیوید پولاک هموند برنستاین و مدیر «پروژه فکرة» در انستیتو واشنگتن است. وی در گذشته به عنوان مشاور ارشد وزارت خارجه ایالات متحده در بخش خاورمیانه بزرگ با تمرکز بر حقوق زنان و به عنوان کارشناس منطقه‌ای «ستاد برنامه‌ریزی سیاسی» وزیر خارجه فعالیت داشته است.



تحلیل کوتاه

ناپدید شدن اسرارآمیز و عمیقاً نگران‌کننده جمال خاشقچی مفسر سیاسی عربستانی در کنسولگری عربستان در استانبول توجه دوباره را نسبت به پارادوکس «مستبد اصلاح طلب» در عربستان برانگیخته است

ورود مایک پمپئو به عربستان اهمیت این رویداد را نشان می‌دهد و اگر پای مأموران سعودی در میان باشد پس به گفته تالیبران (دیپلمات فرانسوی قرن نوزدهم) این کار «از جنایت بدتر بود خطا بود». تردیدی نیست که غرب ترکیه و شماری از رسانه‌های مخالف سعودی در منطقه و احتمالاً برخی نهادهای دولتی امریکا تلاش خواهند کرد که این رویداد هولناک را در کانون توجه نگه دارند.

اما سوال کلیدی که در این بحث احتمالاً نادیده گرفته شده و یا کز فهمیده می‌شود این است: آیا خود سعودی‌ها – در مقایسه با کارشناسان رسانه‌ها و سازمان‌های غیردولتی – واقعا از چنین معضلاتی آگاه‌اند یا به آن اهمیت می‌دهند این سوال از این نظر کلیدی است که مستقیماً به تداوم ثبات عربستان مربوط می‌شود. عوامل گوناگون بسیاری از خشونت فردی و مداخله خارجی تا جناح‌بندی‌های هیئت حاکمه و مثل آن در این محاسبات نقش دارد. در درازمدت کاهش اعتماد کسبو کار داخلی و خارجی نیز ممکن است بر سود بادآورده کنونی از فروش نفت بشکته‌ای هشتاد دلار بچربد اما در حال حاضر آیا این بازداشت‌ها و ناپدید شدن‌ها می‌تواند علت – و شاید نتیجه – آشفتنگی‌های عمده‌ای باشد که زیر پوست پادشاهی ظاهراً آرام سعودی در حال شکل‌گیری است.

با تکیه بر تجربه‌ای که از بازدید اخیرم از ریاض داشتم و گفت‌وگوهایم با سعودی‌ها و دیگران درباره خاشقچی و موارد مشابه پاسخ کوتاه من چه بسا منفی باشد. اهمیت گسترده‌تر این رویداد با همه زشتی ظاهری‌اش موضوع دیگری است. هرچند چنین رویدادهایی به وجهه عربستان سعودی در میان برخی دولت‌ها تحلیگران روزنامه‌نگاران و سرمایه‌گذاران صدمه می‌زند ولی برای بیشتر مردم عربستان در داخل این کشور به شکل محسوس بی‌اهمیت است. در نتیجه برخلاف آنچه خرد متعارف می‌گوید این رویدادها تهدیدی جدی برای پادشاهی عربستان نیست – یا دست‌کم چنان تهدیدی در قالب اعتراضات جمعی یا ناراضی‌های سازمان‌یافته از سوی بخش‌های مهمی از جامعه مانند تجار روحانیان متخصصان یا نهادهای نظامی بروز نخواهد کرد.

یک واقعیت در پس چنین قضاوتی وجود شواهدی روشن (هرچند کمتر شناخته‌شده) است که نشان می‌دهد دولت سعودی به شکلی

فزاینده از افکار عمومی جامعه خود آگاه است به آن توجه می‌کند و حداقل تا حدودی از نظرات عمومی استقبال می‌کند. در ماه جولای که در عربستان بودم روزی را در «مرکز گفت‌وگوی ملی ملک عبدالعزیز» گذراندم که یک انستیتوی مستقر در ریاض برای ارزیابی نگرش‌های عمومی و ترویج گفت‌وگوی ملی در میان شهروندان عربستان است. این موسسه پانزده سال پیش ایجاد شد اما از دو سال پیش که محمد بن سلمان به ولیعهدی برگزیده شد کارکردش به شکل چشمگیری افزایش یافته است. این مرکز حداقل به نام مستقل است و به من گفتند که منابع مالی آن از اجاره‌بهای سه برج تجاری در ریاض تامین می‌شود که در تملک این موسسه است.

کارشناسان این مرکز می‌کوشند شهروندان عادی سعودی را تشویق به شرکت در گفت‌وگوهای کنند که در زندگی خودشان و نیز در جهت حرکت کلی کشور موثر باشد. یکی از هدف‌های این مرکز پروراندن حس اتحاد در میان مردم برای شرکت در امور عادی مربوط به خودشان و منافع ملی است. این مرکز کارگاه‌ها سمینارها جشنواره‌ها و تجمعات گسترده‌ای را برگزار می‌کند که در یک‌ونیم دهه گذشته صدها هزار شهروند سعودی در آن شرکت داشته‌اند.

اما هدف دیگر و تازه‌تر این مرکز به دست گرفتن نبض افکار عمومی جهت در نظر داشتن منظم آرای مردم برای شکل‌دهی به سیاست‌های رسمی کشور است - و نه صرفا اطلاع‌رسانی به عموم و تبلیغ چنین سیاست‌هایی پس از اجرا. یکی از مدیران ارشد این مرکز به صراحت اذعان کرد که مفاهیم این طرح در عربستان ناآشنا و چالش‌برانگیز است اما در حال حاضر از سوی بالاترین سطوح حکومت به شکل بسیار جدی پیگیری می‌شود. از این رو تقریبا هم‌زمان با اوج‌گیری قدرت محمد بن سلمان این مرکز بخشی را برای اجرای نظرسنجی راه‌اندازی کرده است. این بخش تا به حال بیش از صد نظرسنجی با شرکت حدود سی‌وسه هزار شهروند سعودی انجام داده است.

به گفته کارشناسانی که با آنها گفت‌وگو کردم این مرکز بر اساس تحلیل‌های خود در دو سال گذشته توانسته است بیش از ۱۰۰ توصیه مشخص برای سیاست‌گذاری به دولت ارائه کند که ۶۵ مورد پذیرفته و اجرا شده است. یک مورد مهم حمایت عمومی از دادن اجازه رانندگی به زنان بود که امسال و پس از مدت‌ها انتظار سرانجام دولت با آن موافقت کرد. مسئولان این بخش همچنین به من گفتند که ابتکار عمل‌های دیگرشان گستره وسیعی از مسائل اجتماعی و اقتصادی از جمله مبارزه (هرچند گزینشی اما پرسروصدا) با فساد اداری را در بر می‌گیرد.

من به عنوان کسی که کارش برگزاری نظرسنجی است از این اقدامات هم متعجب شدم و هم تا اندازه‌ای تحت تاثیر قرار گرفتم گرچه متأسفانه نتوانستم جزئیات بیشتری به دست بیاورم. از نظرسنجی‌های خودم در عربستان سعودی این را می‌دانم که سعودی‌ها به بیان نظرات متفاوت حتی درباره برخی مسائل حساس تمایل دارند. مثلا سال گذشته وقتی که این پرسش در یک نظرسنجی مطرح شد که «آیا تفسیر اسلام باید بیشتر در جهت اعتدال رواداری و مدرنیته باشد» فقط ۳۰ درصد به آن پاسخ مثبت دادند هرچند این رقم دوبرابر شماری است که در اواخر سال ۲۰۱۵ به این پرسش پاسخ مثبت داده بودند. اما در موضوع سیاست خارجی نظرسنجی من نشان می‌دهد که سیاست‌های مقام‌های سعودی مورد تأیید مردم عربستان است. ترس و نفرت از ایران و عوامل منطقه‌ای‌اش از حوثی‌ها گرفته تا حزب‌الله لبنان عمومیت دارد و فقط مختص نخبگان کشور نیست بلکه در کوچه‌وبازار هم دیده می‌شود.

در مورد اقدامات در ظاهر تحریک‌آمیز دیگر نیز هرچند با اکثریتی کوچکتر اجماع وجود دارد: دشمنی با قطر که متحد نزدیک آمریکاست و نیز حمایت مشروط از آشتی با اسرائیل. برای نمونه رئیس عربستانی مجمع جهانی مسلمانان (یا رابطة العالم الاسلامی) اخیرا طرح حیرت‌انگیزی برای برپایی یک راهپیمایی صلح ارائه کرده که در آن روحانیان مسلمان در کنار روحانیان یهودی و مسیحی تا بیت‌المقدس راهپیمایی کنند. این پیشنهاد از حمایت تلویحی دو-سوم مردم عربستان برخوردار است که می‌گویند صلح با اسرائیل مطلوب است به شرطی که حقوق فلسطینیان رعایت شود.

گذشته از آمارهایی که نشان از حمایت عمومی از اصلاحات بالا به پایین در داخل و کنشگری عربستان در خارج دارد قرائن نیز از وجود چنین حمایتی حکایت می‌کند.

به عنوان مثال وقتی از چند شهروند سعودی اهل فن مستقل (اما دارای ارتباطات وسیع) در مورد سرنوشت نامعلوم جمال خاشقجی پرسیدم بی‌تفاوتی‌شان آشکار بود. در واقع آن‌ها بیشتر نگران توفان رسانه‌ای در مورد قضیه خاشقجی بودند تا سرنوشت خود او و یا اعمال محدودیت‌های سرکوبگرانه بر آزادی‌های فردی که این حادثه جلوه‌ای از آن است. در خصوص اقلیتی از مردم سعودی که به راستی از وضعیت ناراضی‌اند رویداد تکان‌دهنده خاشقجی آن‌ها را احتمالا بیشتر مرعوب می‌کند تا بیزار و مسلما منجر به حرکتی از سوی آن‌ها نخواهد شد. در واقع ارباب شاید هدف اصلی آشکار و گستاخانه این آدم‌ربایی آشکار بوده است.

درمقیاسی گسترده‌تر وقتی با جوانان طبقه متوسط سعودی در ریاض در مورد ماهیت گزینشی مبارزه با فساد گفت‌وگو کردم اکثرشان نه‌تنها نگران این نوع برخورد نبودند بلکه نظرشان مثبت بود. نمونه‌ای از اظهار نظر آنها این است: «کسانی که بعد از چهل سال ثروت‌اندوزی نامشروع در هتل ریتز زندانی‌اند حق‌شان همین است.» دیگران با وجود آن‌که چنین برخوردهای مستبدانه‌ای را گاهی به دور

از انصاف می‌دانستند اما باور داشتند که این برخوردها هزینه‌ای است که بابت دستیابی به آزادی‌های اجتماعی که شهروندان سعودی شروع به برخورداری از آنها کرده‌اند باید پرداخت. آنها می‌گفتند که انتقادهای خارجی از این بده‌بستان اگر مغرضانه هم نباشد گمراه‌کننده است.

نظرات مشابهی نیز در مورد جنگ یمن بیان شد: هرچند برخی خارجی‌ها دخالت عربستان را نالازم و گرفتاری در باتلاقی خونین می‌بینند بیشتر سعودی‌هایی که من در داخل یا خارج از کشور با آنها گفت‌وگو کردم آن را اقدامی ضروری در دفاع از خود تلقی می‌کنند. یک کارشناس آمریکایی باتجربه در امور دفاعی که به زبان عربی مسلط است و چند سال گذشته را با سربازان سعودی در داخل این کشور کار کرده به من می‌گفت که بیشتر سعودی‌ها مدت‌هاست که حوثی‌های یمن را تهدیدی واقعی نسبت خود می‌بینند. به نظر او نارضایتی اصلی آنها از کندی پیشرفت در جنگ یمن نیست بلکه از دودلی آمریکا در حمایت از عربستان است.

خطاهای دیگر عربستان در سیاست خارجی – از گروگان‌گیری بی‌ثمر سعد حریری نخست‌وزیر لبنان تا تحریم قطر – مورد تایید ضمنی یا توجیه‌تراشی بیشتر سعودی‌هایی است که من با آنها برخورد کردم و یا در بدترین حالت در برابر این سیاست‌ها شانه بالا می‌اندازند. بدیهی است که رسانه‌های سعودی از جمله شبکه‌های اجتماعی به شدت کنترل می‌شوند و اخیراً بسیاری از مردم در گفت‌وگوهای خصوصی هم جانب احتیاط را نگی می‌دارند. بی‌تردید با وجود این محدودیت‌ها برخی انتقادات تند به بگومگوهای اینترنتی به زبان عربی کشیده می‌شود. ولی هیچ نشانه‌ای از شکل‌گیری مخالفت در سطح عموم و یا مقاومت متمرکز در بخش‌های کلیدی جامعه سعودی دیده نمی‌شود.

آخرین عامل نهفته در پس تایید وضعیت (با تن دادن به آن) از سوی شمار زیادی از سعودی‌ها این است که احساس می‌کنند نظرات کارشناسان آنها درباره امور منطقه اگر نه برتر دست‌کم هم‌تراز ارزیابی‌های بیرونی است. و امروزه آنها بیش از هر زمان دیگری محققان که چنین حس کنند در چند سال گذشته من با کارشناسان اصیل دانشگاهی از سعودی آشنا شده‌ام که در امور ایران یمن مذهب شیعه و حتی اسرائیل تخصص دارند و برای آنها احترام قائل‌ام. آنها حالا مهارت زبانی لازم استقلال فکری و گاه حتی تجربه زندگی در آن حوزه‌ها را دارند که بتوانند درباره این مسائل توصیه‌هایی سنجیده و آگاهانه ارائه کنند. همچنین امروز شمار کوچک ولی فزاینده‌ای از اندیشکده‌های سعودی وجود دارند تا از اندوخته دانش محلی و مشاوره‌های محلی حمایت کنند.

در مجموع حکمت سیاست‌های کنونی سعودی و معیارهای اخلاقی آن از قضیه خاشقچی و جنگ یمن گرفته تا سرکوب فساد و سرکوب آزادی بیان در داخل و خارج از عربستان بسیار متفاوت ارزیابی می‌شود. ممکن است برخی‌ها از بیرون بعضی از تصمیم‌های حکومت سعودی را به پرسش بکشند اما نباید تحلیل خود را با پیشبینی‌های هول‌آور و بی‌اساس درباره ثبات عربستان سعودی به خطا پیامیزند. در داخل پادشاهی عربستان توجه کامل دولت به نبض مردم جامعه خود مسائلی را که از بیرون بزرگ به نظر می‌آید کم‌رنگ می‌کند.

**دیوید پولاک هموند پژوهشی برنشتاین در انستیتو واشنگتن است و بر تحولات سیاسی منطقه و مسائل مربوط به آن مطالعه می‌کند.*

**این مقاله در تریبون آزاد فکره از ستون‌های بخش عربی وبسایت انستیتو واشنگتن منتشر شده است. نظرات بیان‌شده از سوی نویسندگان این تریبون آرای شخصی هر یک از نویسندگان است و لزوماً مورد تایید انستیتو کارمندان آن هیئت مشاوران آن نیست.*



RECOMMENDED



BRIEF ANALYSIS

Iran Takes Next Steps on Rocket Technology

١١ جوريه ٢٠٢٢



Farzin Nadimi

[\(/policy-analysis/iran-takes-next-steps-rocket-technology\)](#)



BRIEF ANALYSIS

Saudi Arabia Adjusts Its History, Diminishing the Role of Wahhabism

١١ جوريه ٢٠٢٢



Simon Henderson

[\(/policy-analysis/saudi-arabia-adjusts-its-history-diminishing-role-wahhabism\)](#)



ARTICLES & TESTIMONY

Podcast: Breaking Hezbollah's Golden Rule

٩ جوريه ٢٠٢٢



Matthew Levitt

[\(/policy-analysis/podcast-breaking-hezbollahs-golden-rule\)](#)